

مسئولان بررسی کنند؛ به دلیل عدم توازن توزیع یارانه آرد، مردم مناطق محروم زاهدان نان را به نرخ منطقه یک تهران خریداری می‌کنند

مردم مناطق محروم زاهدان نان را به نرخ منطقه یک تهران خریداری می‌کنند

مریم شکرانی؛ آلودکن‌نشین‌های زاهدان نان را گران‌تر از مردم شمال شهر تهران می‌خرند! اینجا در شیرآباد و کریم‌آباد، جایی‌که زباله‌گردها در آلودک‌های مخروبه بدون برق، آب و گاز زندگی می‌کنند، حدود هفت تا هشت نانوائی آزادبیز فعالیت می‌کنند و در مقابل، تقریباً یک‌پنجم نانوائی‌های سنگکی دولتی که در تهران فعالیت دارند و بیشترین یارانه آرد را دریافت می‌کنند، در شمال پایتخت مستقر هستند. ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و بنا به اعلام اتحادیه خبازان زاهدان ۷۷ نانوائی مستقر در مناطق حاشیه‌ای این شهر، حداقل سهمیه آرد یارانه‌ای یعنی ۸ تا ۱۰ تن در ماه را دریافت می‌کنند و درست در شرایطی که وزارت بهداشت نسبت به تشدید سوء‌تغذیه در سیستان‌وبلوچستان هشدار داده است، سرانه آرد یارانه‌ای مردم زاهدان به اندازه سرانه آرد یارانه‌ای مردم تهران شده و به ۹.۵ کیلوگرم در ماه کاهش داشته است.

فرمانداری زاهدان سال گذشته اعلام کرد که تقریباً نیمی از مردم این شهر حاشیه‌نشین و آلودکن‌نشین هستند.

«شما در تهران چند وعده غذای نان‌دار می‌خورید؟… نمی‌دانم! اما اینجا مردم جایگزین دیگری جز نان ندارند. برنج کیلویی ۲۰۰ هزار تومان شده، قیمت ماکارونی سر به فلک کشیده و قیمت حبوبات دست‌کمی از گوشت ندارد. اینجا مردم برای هر سه وعده خود نان می‌خرند…».

این جملات را اسماعیلی، نانوائی زاهدانی می‌گوید و تأکید می‌کند که بخش زیادی از مردم زاهدان افراد بدون شناسنامه هستند که با «جراحی اقتصادی دولت سیزدهم» دیگر نمی‌توانند نان یارانه‌ای بخرند؛ چراکه آنها نه شماره ملی و شماره شناسنامه دارند و نه حساب بانکی.

بنا بر گزارش ایسنا ایوب‌زهدی نخعی، فرماندار زاهدان در ششم شهریور سال گذشته گفته بود که ۴۴ درصد مردم زاهدان حاشیه‌نشین و آلودکن‌نشین هستند و وزارت بهداشت نسبت به دوبرابرشدن سوءتغذیه در سیستان‌وبلوچستان هشدار داده است.

زهرا عبداللهی، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت به ایلنا گفته است شاخص سوءتغذیه کودکان در سیستان‌وبلوچستان که بیش از سال ۹۹، شش درصد بوده، اکنون به ۱۲ درصد رسیده است.

اواز استان‌های سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان، کرمان و خراسان جنوبی به‌عنوان استان‌هایی نام برده که وضعیت نگران‌کننده‌ای از نظر امنیت غذایی دارند و تأکید کرده است که جهش قیمت مواد غذایی استان‌های محروم را از نظر تغذیه زیر فشار مضاعف گذاشته و دولت باید برای تغذیه مردم این استان‌ها یارانه و سبدهای حمایتی غذا در نظر بگیرد اما دولت نتهتا به این توصیه وزارت بهداشت عمل نکرده است که حالا یارانه آرد زاهدان را کاهش داده و بر خلاف انتظار مردم محلات فقیرنشین زاهدان نان را گران‌تر از مردم شمال شهر تهران می‌خرند!

سهمیه آرد یارانه‌ای زاهدانی‌ها کم شد

قیمت هر کیسه آرد نانوائی‌های دولتی حدود ۴۰ هزار تومان است و نرخ هر کیسه آرد در نانوائی‌های آزادبیز به ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد.

درحال‌حاضر در نانوائی‌های ایران بهای هر قرص نان سنگک دولتی حداقل سه هزار تومان است و بهای هر قرص نان سنگک در نانوائی‌های آزادبیز حداقل پنج تا هفت هزار

تومان بوده و حداکثر به حدود ۱۰ هزار تومان می‌رسد.

نانوائی‌های زاهدان می‌گویند توزیع یارانه آرد در ایران متوازن نیست و گاهی مردم مناطق محروم یارانه آرد کمتری نسبت به شهروندان محلات ثروتمندنشین دریافت می‌کنند. آن‌هم درحالی‌که نان غذای اصلی و قوت لایموت است و با جهش قیمت مواد غذایی، اهالی مناطق محروم ایران جایگزین غذایی به‌جای نان ندارند.

محمد خدابخشی، رئیس اتحادیه خبازان زاهدان به «شرق» می‌گوید در ابتدای دهه ۹۰ سرانه آرد یارانه‌ای هر شهروند زاهدانی بین ۱۲ تا ۱۳ کیلوگرم در ماه بود و حالا با وجود جهش قیمت انواع مواد غذایی و کاهش شدید قدرت خرید مردم، سرانه آرد یارانه‌ای شهروندان زاهدانی به ۹.۵ کیلوگرم در ماه کاهش داشته است. او ادامه می‌دهد که مصرف نان در استان‌های محرومی مانند سیستان‌وبلوچستان بیشتر است و در دو سال گذشته و با افزایش قیمت مواد غذایی، مصرف نان در زاهدان افزایش داشته است. خدابخشی تأکید می‌کند: علاوه بر تعداد بالای فقرا در سیستان‌وبلوچستان، تعداد زیادی از افراد بدون شناسنامه در این استان زندگی می‌کنند یا پناهنده و مهاجر افغانستانی به‌شمار می‌آیند. به‌طوری‌که در برخی محلات زاهدان تعداد مهاجران و پناهنده‌های افغانستانی از جمعیت ایرانی‌ها بیشتر است اما دولت این افراد محروم را در محاسبات خود به حساب نیاورده و سرانه آرد یارانه‌ای که به مردم زاهدان اختصاص داده به اندازه سرانه آرد یارانه‌ای مردم تهران است.

یک‌پنجم نانوائی‌های سنگکی دولتی، در شمال تهران

در شهری که حدود نیمی از جمعیت آن آلودکن‌نشین هستند، تقریباً ۴۰ درصد نانوائی‌ها آرد دولتی نمی‌گیرند! بنا بر اعلام اتحادیه خبازان زاهدان حدود ۲۰ درصد نانوائی‌های زاهدان آرد دولتی دریافت نمی‌کنند و آزادبیز هستند.

جالب اینجاست که توزیع جغرافیایی نانوائی‌های آزادبیز و دولتی در ایران هیچ حساب‌وکتاب منطقی و اقتصادی نداشته است و درحالی‌که مردم ولنجک، الهیه، جردن و… می‌توانند نان را با قیمت دولتی بخرند، مردم آلودکن‌نشین و فقیرترین شهروندان زاهدانی در شیرآباد و کریم‌آباد گاهی ناچار هستند نان خود را از نانوائی‌های آزادبیز بخرند. محمد خدابخشی، رئیس اتحادیه خبازان زاهدان به «شرق» می‌گوید که توزیع نانوائی‌های آزادبیز در زاهدان هم هیچ منطقی نداشته و هفت تا هشت نانوائی آزادبیز در دو محله فقیرنشین شیرآباد و کریم‌آباد فعالیت می‌کنند و ۷۷ نانوائی محلات

آلودکن‌نشین زاهدان، کمترین سهمیه آرد دولتی یعنی هشت تا ۱۰ تن در ماه را دریافت می‌کنند.

ولنجک همسایه شیرآباد!

آلودکن‌نشین زاهدان، کمترین سهمیه آرد دولتی یعنی هشت تا ۱۰ تن در ماه را دریافت می‌کنند.

این در حالی است که اصغر پابرجا، رئیس اتحادیه نانوائی‌های سنتی و سنگکی تهران به «شرق» توضیح می‌دهد که از حدود هزار نانوائی سنگکی تهران حدود ۲۰۰ نانوائی دولتی است و از ۲۰۰ نانوائی دولتی حدود ۳۰ تا ۴۰ نانوائی در محلات شمال شهر تهران واقع شده‌اند و به عبارتی حدود یک‌پنجم نانوائی‌های دولتی سنگکی، در محلات ثروتمندنشین پایتخت هستند!

محمدرضا نظرنژاد، رئیس سابق اتحادیه نانوائیان سنگکی به «شرق» می‌گوید که بازار نانوائیان تهران اشباع شده و حدود ۷۰۰ نانوائی اضافه در پایتخت فعالیت می‌کنند. او ادامه می‌دهد مجوز فعالیت بسیاری از نانوائی‌ها بر اساس رانت بوده و با هدف دریافت یارانه آرد ایجاد شده‌اند و بسیاری از این نانوائیان هیچ‌گونه تخصص قبلی و سابقه‌ای در این صنف و صنعت نداشته‌اند.

دولت ایران اخیراً اعلام کرده که اصلاح ساختار توزیع یارانه نان را کلید زده و یارانه آرد و نان را به‌جای نانوائی‌ها در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد.

بر اساس اعلام دولت هر شهروند ایرانی می‌تواند با کارت بانکی که بر اساس شماره ملی او ایجاد شده ماهانه حدود ۹.۵ کیلوگرم نان یارانه‌ای بخرد که اگر میانگین وزن نان را حدود ۳۰۰ گرم در نظر بگیریم، سهم هر شهروند ایرانی از نان یارانه‌ای روزی یک عدد قرص نان می‌شود.

بر اساس اعلام دولت یارانه نان به تمام شهروندان ایران اعم از غنی و فقیر یکسان تعلق می‌گیرد اما فعلاًان بازار نان می‌گویند که با جهش قیمت انواع مواد غذایی در ایران و سه‌رقمی شدن تورم قیمت برخی اقلام غذایی، مصرف نان در مناطق محروم بالا رفته و سرانه یارانه نان مردم آلودکن‌نشین استان‌های محروم نباید با ثروتمندان کلان‌شهرها برابر باشد.

به‌جز این بسیاری از فقرای ایران و پناه‌جویان و مهاجران که فاقد شناسنامه و کارت بانکی هستند، ناچار می‌شوند نان مورد نیاز خود را گران‌تر از ثروتمندان تهیه کنند. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران میانگین رشد ماهانه تورم مواد غذایی در خرداد امسال ۲۵.۹ درصد بود. وزارت کار اعلام کرده است که هرگاه میانگین رشد ماهانه تورم از دو درصد عبور کند وضعیت تورم بحرانی شده است.

یادداشت

اقتصاد ملی و مهاجرت زیان‌بار نخبگان



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

توسعه اقتصاد ملی همواره همراه با بهبود شیوه‌های استفاده از عوامل تولید و افزایش کمی و کیفی تولید است. درواقع جامعه درحال توسعه به‌تدریج می‌آموزد که از داشته‌های خود به بهترین نحو استفاده کند و بهره‌برداری همراه با اسراف و اتلاف و کارایی اندک را که ویژگی جامعه سنتی قبل از شروع توسعه بود، کنار بگذارد. افزایش تولید و درآمد و در نتیجه افزایش سطح رفاه زمانی اتفاق خواهد افتاد که همه عوامل تولید اعم از نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی با شیوه خردمندانه‌تری مورد استفاده قرار گرفته و محصول بیشتری تولید کنند.

به‌این‌ترتیب کشوری که درحال پشت‌سرگذاشتن مراحل توسعه است، تلاش خواهد کرد علاوه بر استفاده بهینه از تمام موجودی عوامل تولید خود، عوامل تولید در تملک جوامع دیگر را نیز در خدمت اهداف توسعه خود به کار بگیرد. در این راستا رقابت بین کشورهای درحال توسعه در میدان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز به‌کارگیری نیروهای نخبه سایر جوامع به‌عنوان یک مسابقه نفس‌گیر شکل خواهد گرفت و هر کشوری تلاش خواهد کرد بیشترین سرمایه خارجی و بیشترین نیروی انسانی مهاجر را جذب خود بکند، تا عوامل تولید بیشتری در اختیار داشته باشد.

با این دید مهاجرت نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده را می‌توان یک خسارت بزرگ برای اقتصاد ملی تلقی کرد؛ زیرا علاوه بر اینکه موجب محرومیت اقتصاد ملی از بخشی از عوامل تولید خود می‌شود، فرصت رشد و شکوفایی را نیز به رقبا هدیه کرده و آنان را در موقعیت مسلط قرار می‌دهد. اقتصاد ما در طول چند دهه گذشته متحمل خسارت جدی در این میانه شده است. از یک‌سو برخی از فعالان اقتصادی با امید گسترش کسب‌وکار اقدام به خروج سرمایه‌های خود کرده و در کشورهای دیگر مستقر شده‌اند و از سوی دیگر نخبگان و دانش‌آموختگان کشورمان نیز تمایل جدی برای رفتن و رحل اقامت افکندن در کشورهای دیگر از خود نشان داده‌اند. بی‌کاری نیروی انسانی متخصص، تداوم رکود و نبود فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذاری شرایطی را فراهم ساخته تا گروه در‌خور توجهی از فعالان اقتصادی و نخبگان افق روشنی پیش‌روی خود نبینند و آینده شغلی خود را در کشورهای دیگر جست‌وجو کنند.

هرچند اختلاف‌نظر درمورد حجم خروج نخبگان از کشور وجود دارد و نهادهای رسمی فقط بخشی از آمار و اطلاعات غیررسمی ارائه‌شده را می‌پذیرند و بقیه را به حساب بزرگ‌نمایی مشکل می‌گذارند، بااین‌حال با نگاهی گذرا در سطح جامعه و بررسی اطلاعات اولیه می‌توان به عمق مشکل پی برد. به رئیس سازمان جهاد دانشگاهی از وضعیت مهاجرت روبه‌رشد نخبگان و متخصصان کشور انتقاد کرده است. به گفته ایشان میبخت مهاجرت نخبگان دیگر کهنه شده و اینک در وضعیت مهاجرت شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم. اگر این ادعای ایشان را بپذیریم که متأسفانه ادعایی همراه با مستندات است، باید اقرار کنیم دشواری بزرگی بر سر مسیر توسعه آینده کشورمان درحال ایجاد است و باید هرچه زودتر برای آن تدبیری اندیشیده شود. مهاجرت انفرادی نخبگان و دانش‌آموختگان کشور خسارتی بزرگ است زیرا جامعه از یک سرمایه ارزشمند انسانی تهی می‌شود؛ اما در مقایسه با وضعیت مهاجرت یک شرکت دانش‌بنیان، خسارتی کوچک تلقی می‌شود. مهاجرت انفرادی به این معنی است که شخص از وضعیت شغلی خود و فرصت‌های پیش‌رو ناراضی بوده و امیدوار است با مهاجرت به کشوری دیگر فرصت شغلی بهتری به دست بیاورد؛ اما پیام مهاجرت یک شرکت دانش‌بنیان این است که گروهی متخصص با امید خدمت به اقتصاد ملی و تولید کشورشان کرد هم جمع شده و مدت‌ها تلاش کرده و خلاقیت خود را در قالب یک کار تیمی به کار گرفته‌اند؛ اما بازهم نتوانسته‌اند موقعیت مناسبی برای خود در اقتصاد ملی دست‌وپا کنند و اینک ناگزیر از انتقال کسب‌وکارشان به سرزمینی دیگر هستند. شکل‌گیری چنین مهاجرتی به معنای آن است که مناسبات رانتی در اقتصاد ما به آن چنان سطحی از قدرت رسیده‌اند که عرصه را برای نخبگان تنگ کرده‌اند و این نخبگان نتهایی که سهل است، حتی به‌صورت گروهی و با حمایت نهادهای رسمی کشور هم نمی‌توانند به آینده خود امیدوار باشند و دیر یا زود باید جمع کنند و بروند.

در شرایطی که اقتصاد درحال ازدست‌دادن تدریجی سرمایه انسانی و مالی خود است، رقبای منطقه‌ای ما با استفاده از این فرصت ارزشمند، درحال صید مروراید‌های گران‌بهای کشورمان و انتقال آنان به سرزمین خود هستند. بسیاری از ناظران و کارشناسان ایران‌دوست با مشاهده درجازدن بنگاه‌های اقتصادی وطنی و مقایسه آن با رشد سریع اقتصادی ساحل جنوبی خلیج فارس، از خود می‌پرسند به‌راستی چه عاملی موجب شده در هر مترمربع از زمین منطقه آزاد جبل‌علی چندصد برابر مناطق آزاد کشورمان گردش اقتصادی و تولید ثروت صورت بگیرد؟ و چگونه هر سرمایه انسانی و مالی که ما با بی‌اعتنایی تمام از قطار خود پیاده‌اش می‌کنیم، سوار بر قایق تندرو همسایگان شده و بر قدرت اقتصادی آنان می‌افزاید؟

خبر ویژه

در مجمع عمومی عادی سالانه شرکت پالایش نفت اصفهان تصویب شد

تقسیم ۶۵ تومان سود پالایشگاه به ازای هر سهم

ضربیت تا چهار سال آینده به بالای ۱۲ برسد.

محسن قدیری دستیابی به مزیت رقابتی پایدار را نیازمند تغییرات در جهت تکنولوژی و توسعه کسب‌وکار و زنجیره ارزش دانست و تأکید کرد: این شرکت با حرکت در راستای توسعه پایدار، توانایی تولید بیش از ۴۰۰ فرآورده نفتی را در آینده دارد.

مدیرعامل شرکت پالایش نفت اصفهان در ادامه سود خالص این شرکت در سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۰ را ۱۶.۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: ضربیت حاشیه سود خالص این شرکت ۷.۸ درصد بوده که بسیار اندک است.

قدیری گفت: این شرکت در حال حاضر از لحاظ حاشیه سود خالص، در رتبه‌های یکی به آخر و پس از پالایشگاه آبادان قرار دارد که تا سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی می‌شود با افزایش ضربیت پیچیدگی، بیشترین حاشیه سود را در بین شرکت‌های پالایشی کشور به خود اختصاص دهد.

وی از راه‌اندازی کامل پروژه واحد تصفیه گازوئیل پالایشگاه اصفهان تا شهریور امسال با ظرفیت صد هزار بشکه گازوئیل پروژه خبر داد و گفت: با بهره‌برداری این پروژه علاوه بر افزایش سالانه ششش هزار میلیارد تومانی سود شرکت، ۶۹ صدم نیز ضربیت پیچیدگی شرکت را افزایش می‌دهد.



علی خسروانی

کارشناس خودرو

اخیرا در میحث واردات خودرو کلیدواژه‌های انتقال تکنولوژی دانما توسط وزیر محترم و سایر منتخبین استفاده می‌شود و تأکید دارند که واردات خودرو باید با شرط انتقال تکنولوژی باشد.
فارغ از این نکته که این گفتار با چه انگیزه و نیتی تکرار می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که آیا نگاه کالاکونه و خریدی به تکنولوژی نگاه صحیحی است یا خیر-
آیا ما در مقوله‌های نانو، پزشکی هسته‌ای، صنایع دفاعی و موشکی، ماهواره‌ای و سایر صنایع که دارای تکنولوژی روز دنیا هستیم با



شرکت پالایش نفت اصفهان به ازای هر سهم، ۶۵۰ ریال سود توزیع کرد.

مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام و مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت پالایش نفت اصفهان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۰ با حضور ۷۵.۸۴ درصد سهامداران برگزار و پس از تصویب صورت‌های مالی، به ازای هر سهم ۶۵ تومان به تصویب رسید.

مدیرعامل شرکت پالایش نفت اصفهان چشم‌انداز این شرکت را ارتقا به یک هلدینگ موفق پتروپالایشی در منطقه با بالاترین ضربیت پیچیدگی تا سال ۱۴۰۵ بیان کرد و گفت: ضربیت پیچیدگی این شرکت در حال حاضر با احتساب سهم شرکت در پتروشیمی، اصفهان و نفت سیاهان ۶.۲ بوده که پیش‌بینی شده این